

چگونگی ارتباط معنویت و عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

ابراهیم برزگر^۱

چکیده

کانون این نوشتار رابطه معنویت و عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. نویسنده رابطه این دو مقوله و مفهوم و واقعیت را رد روش قیاسی (قبل از تجربه) و استقرایی بررسی می‌کند. در قیاسی آن را در چهار حالت منطقی و در نهایت پنج وضعیت مطالعه می‌کند. رابطه عموم و خصوص مطلق در وضعیت اعم بودن معنویت که عدالت را زیر مجموعه معنویت قرار می‌دهد رابطه مختار نویسنده است. عقلانیت معنوی مفهوم رابط این دو در سه نوع عقلانیت بینشی و گرایشی و کنشی گذار از به پیشرفت و عدالت را امکان پذیر می‌کند. معنویت، عدالت داوطلبانه را تولید می‌کند. در روش دوم استقرایی رابطه عدالت و معنویت در دو جامعه تاریخ صدر اسلام و صدر جمهوری اسلامی با تاکید بر دوره دفاع مقدس در دستور کار قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که معنویت و عدالت در یک رابطه همبستگی کلی و جزئی (هم پوشانی) اثر کاهندگی و یا افزایشی داشته اند.

کلید واژه‌ها: عدالت، معنویت، عدالت معنوی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

طرح مسئله

ارتباط اجزای الگو با یکدیگر مسئله‌ای مهم است. این موضوع به ویژه در تحقق عینی و عملی الگوی پیشرفت مسئله‌ای مهم است. ما یک سری مفاهیم عالی و مثبت را در الگوی پیشرفت جمع کرده ایم، یعنی آنچه خوبان همه عالم جدا جدا دارند ما یک جا در این الگو تدارک دیده ایم. اما تجربه عملی نشان داده است که سنگینی واقعیت نمی‌گذارد. که این مفاهیم و ارمانهای مثبت را با هم جمع کنیم و محقق سازیم.. گاه جزئی از آن در عمل به عنوان عامل مزاحم تحقق عینی جزئی دیگر جلوه گر می‌شود. دو گانه عدالت یا رشد (توسعه و پیشرفت)؛ دو گانه امنیت یا عدالت؛ دو گانه وحدت یا عدالت؛ دو گانه عدالت یا آزادی؛ دو گانه معنویت یا مادیت و دو گانه دین یا سیاست؛ دو گانه مقوله عدالت و معنویت بررسی می‌شود. معنویت با عدالت چه رابطه متقابلی دارند؟ این پرسش اساسی این نوشتار است. این تزاخم‌ها را چگونه می‌توان حل و فصل کرد؟

روش شناسی. بررسی رابطه و معنویت و عدالت می‌تواند بر مبنای دو روش استقرایی و قیاسی پیگیری شود. در روش استقرایی یا پسینی ما مصادیق تحقق عدالت در افراد، گروه‌ها و اجتماعات را جزء به جزء شناسایی می‌کنیم و سپس

^۱ استاد دانشگاه علامه طباطبایی و عضو اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، barzegar@atu.ac.ir

بعد از مرحله جزء کاوی نوبت مرحله دوم یعنی ترکیب و دسته بندی آن اجزاء در مقولات کلی تر است. این مرحله ترکیب می‌تواند در یک یا چند مرحله انجام شود و در نهایت به یک کل معنایی یا کلمه کانونی دست می‌یابیم. به طور مثال به مطالعه موردی جامعه صدر اسلام و جمهوری اسلامی به عنوان یک بحث انضمامی یا شخصیت‌های ممتاز این دو دوره می‌توان پرداخت.

تعریف معنویت . معنویت می‌تواند سه تعریف داشته باشد:

۱. معنا گرایی در علوم و مباحث روش شناسی و معرفت شناسی و روش شناسی. یکی از دلالت های ان است .آنان قایل به ضرورت عبور از ظاهر الفاظ و ظاهر پدیده ها و رفتارها می باشند . در نظریه های روشی هرمنوتیک و تفسیری و سازه انگاری و یا استعلاگرایی کانتی و مازلویی. و جز ان دیده می شود .این تعریف در این مقاله مد نظر نیست .

۲. معنویت گرایی پست مدرن .در این معنا به دین داری ازاد و سیال گفته می شود .به دنبال برداشت های تعالی جویانه شخصی و ذهنی و غیر ملتزم به ساختارهای رسمی.و نهادینه دین.شده است .مهم ترین دلالت ان در حوزه دین شناسی ان است.زیرا ان را تابع برداشت های.شخصی می کنند .(شاکرنژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۹-۲۰). این معنا نیز مد نظر ما نیست .

۳. کار برای خدا و ازوایی و به سوی اوایی تعریف سوم ومختار ماست .اساس معنویت این است که هر کاری را هرچند عادی را فقط باید برای خدا انجام داد و اینکه از خداییم و به سوی خدا برمی گردیم .(احمدی، ۱۳۹۶، ص ۱۵-۱۶). معنویت گرایی یعنی همه چیز در قوس از اوایی.و به سوی اوایی قرار می گیرد. معنویت گرایی بر محور توحید است و به معنای فراروی از مادیات، آنانیت (خودپرستی) و ظاهر پدیده هاو موقعیت ها در دو نقطه انگیزش خالصانه و مقصد خالصانه الهی و در سه بعد بینش و گرایش(کشش) و کنش و در دو وجه فردی و اجتماعی(سیاسی،فرهنگی،اقتصادی) بر مبنای توحید است.(مقایسه کنید: آذربایجانی، ۱۳۹۶، ص ۹-۱۱). این معنویت گرایی.در کانون این نوشتار است . شاخص ها و نماگرهای ان در نوشتار حمدیه (۱۳۹۵) بیان شده است .

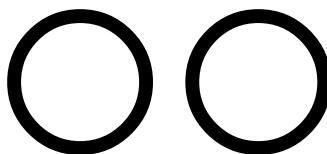
این معنویت گرایی با تعریف سهل و ممتنع کار ها برای خدا می تواند سطوحی متفاوت.داشته باشد .سطح عامه مردم سطح اول است . سطح دوم برای مردم متدین و اهل مسجد است . و سطح سوم برای طلاب فاضل.است و در تراز عالی ان در افرادی مثل ایت اله قاضی و ایت اله.بهجت.می تواند تحقق یابد .(احمدی، ۱۳۹۶، ص ۲۱).

کاربرد روش قیاسی در بررسی رابطه عدالت و معنویت

- در روش قیاسی ما بر مبنای یک کل قیاسی از پیش آماده به سراغ این رابطه می‌رویم. این کل قیاسی گاه نظریه بعد از تجربه است و گاه قیاس قبل از تجربه نظیر نسبت‌های منطقی بین دو مفهوم است. من برای بررسی نسبت. دو مقوله عدالت و معنویت به نظری ای برخورد نکردم. بنا براین بناچار قیاس بعد از تجربه را

رها کردم و قیاس قبل از تجربه را در این نوشتار راهنمای کار قرار دادم. در این قالب رابطه معنویت و عدالت بر اساس احتمالات منطقی و عقلی عبارتند از:

۱- تباین: معنویت و عدالت هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند و بی‌ارتباط با یکدیگرند؛ همانند دو دایره جدا از هم که

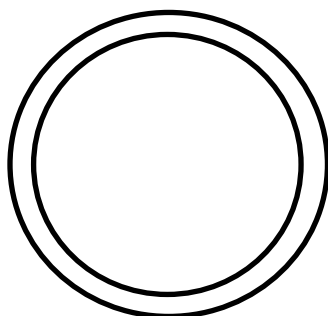


هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند:

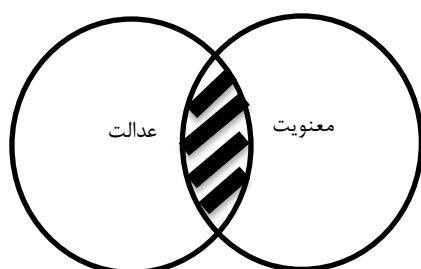
ارزیابی: این رابطه نمی‌تواند درست باشد.

۲- اجتماع و انطباق کامل. دایره معنویت به طور کامل و صد در صد بر دایره عدالت منطبق است.

ارزیابی: این رابطه نیز نمی‌تواند درست باشد. معنویت و عدالت دو مفهوم متمایزند و بنابراین با استقلال مفهومی. مرزهای خاص و هویت متمایز خود را دارند.



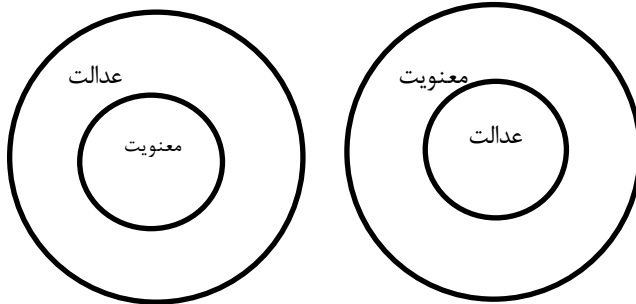
۳- اشتراکات و افتراق توأمان (عموم و خصوص من وجه). هر دو مفهوم و مقوله عدالت و معنویت نقاط مشترک و موضوعات مورد علاقه واحدی دارند؛ ولی تمام قلمروهای آن‌ها بر یکدیگر منطبق نیست و مناطق انحصاری خاص خود را نیز دارند. دایره معنویت و دایره عدالت در این وضعیت به طور متداخل ترسیم می‌شوند:



ارزیابی: این رابطه بین عدالت و معنویت امکان پذیر و قابل دفاع به نظر می‌رسد. اما ارزش افزوده چندانی ندارد. البته هنوز قابل بحث است.

۴ و ۵. عموم و خصوص مطلق. رابطه دو دایره معنویت و عدالت در این حالت به طور یک دایره بزرگ که در درون آن دایره کوچک قرار دارد. این وضعیت چهارم خود می‌تواند دو حالت پیدا کند. بنابراین در مجموع پنج حالت پیدا می‌کند.

الف) تفسیر موسعی از معنویت. ارائه شود که عدالت را هم شامل شود (معنویت. محوری). معنویت در این فرض اعم است.



ب) تفسیر موسعی از عدالت ارائه شود، به نحوی که معنویت را هم در درون آن قرار گیرد

ارزیابی اول: معنویت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت خیلی برجسته است به نحوی که به نظر می‌رسد، نبض آن در لحظه به لحظه آن می‌تپد و در جای به جای آن به چشم می‌خورد. معنویت فصل تمایز الگوی پیشرفت از الگوی توسعه متعارف جهانی است. مادیت + معنویت می‌تواند به تحقق الگوی پیشرفت و تمدن ساز متمایز و نوین اسلامی در دوران مدرن بینجامد. از این حیث فرض اعم بودن و دایره بزرگ بودن معنویت و دایره کوچک و اخص بودن عدالت قابل طرح خواهد بود.

ارزیابی دوم: عدالت هم نظیر معنویت عنصر متمایز و هویت بخش الگوی پیشرفت است. توسعه و پیشرفت منهای عدالت اصولاً الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی نخواهد بود؛ عدالت هم از اصول دین و مذهب است و در تمام بخش‌های سه‌گانه عقاید و اخلاقیات و تمام ابواب فقهی ساری و جاری است. به این اعتبار عدالت هم می‌تواند در دایره بزرگ و موفقیت اعم بودن از معنویت قرار گیرد و به نوعی معنویت را هم پوشش دهد.

این نوشتار با این فرضیه پیگیری می‌شود که معنویت گرایی با اثرگذاری شگرف بر "فرد" می‌تواند به تحقق عدالت در فرد و با میانجی "فرد" بر تحقق عدالت اجتماعی در جامعه و به تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدرسانی کند. البته در چنین فرضیه ای عدالت اجتماعی (تحقق یا عدم تحقق آن) هم بر معنویت گرایی فرد و جامعه به طور متقابل اثرگذار است. تاثیرات متقابل عدالت اجتماعی و معنویت در سه گانه بینشی و گرایشی (کششی) و کنشی پیگیری می‌شود. این کار در دو مرحله تقدم تاثیر معنویت بر عدالت اجتماعی و نیز تقدم تاثیر عدالت اجتماعی بر معنویت قابل تدوین است.

- در این متن مطالب در قالب گزاره های کپسولی و فشرده ارائه می‌شود.

عقلانیت معنوی

- معنویت و عدالت. با میانجی عقلانیت به هم می‌رسند. در واقع سه مفهومی می‌شود.

عقلانیت رفتاری عدالت‌بر دو عقلانیت باورها و عقلانیت ارزش‌ها مبتنی است (جهانیان، ۱۳۸۸، ص ۲۹۵). ما عقلانیت را در سه سطح مطرح می‌کنیم: عقلانیت بنیادی (باورها) عقلانیت ارزشی و عقلانیت رفتاری (عقلانیت ابزاری) عقلانیت بنیادی از انسان و حیات می‌پرسد و مختصات و اهداف و مبانی آن را معلوم می‌کند. عقلانیت ارزشی به تنظیم اخلاق در راستای عقاید می‌پرسد و مختصات و اهداف و مبانی آن را معلوم می‌کند. عقلانیت ارزشی به تنظیم اخلاق در راستای عقاید و فرهنگ می‌نشیند و عقلانیت رفتاری یا ابزاری به روش‌ها و ابزارهای تأمین مادی و معنوی بشریت می‌پردازد و در همین واپسین مرحله است که به عقلانیت ابزاری واکنش منطقی از تنظیم "وسیله و هدف حاجت می‌افتد و همه دقت‌های محاسباتی اعمال می‌شود (جهانیان، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷)

- سطحی از معنویت‌گرایی به مباحث تفکر و تأملات ذهنی و دستگاه محاسبات باز می‌گردد و عقلانیات معنوی در مقابل عقلانیت ابزاری و مادی‌گرایانه و محدود به افق دنیوی یکی از شاخص‌های آن است.

- عقلانیت معنوی با مهار مسابقه بر سر ارزش‌های کمیاب دنیوی راه تحقق عدالت اجتماعی را فراهم می‌کند و عدالت داوطلبانه را محقق می‌کند. معنویت‌گرایی مسابقه را به سوی ارزش‌های پایان‌ناپذیر نظیر تقوای بیشتر سوق می‌دهد. تقوای بیشتر فرد الف موجب محرومیت و کم شدن سهم فرد ب نمی‌شود. در حالی که در ارزشهای سیاسی و اقتصادی و مادی سهم بیشتر فرد الف مستلزم سهم کمتر دیگری است. این از معجزات عقلانیت معنوی است که این معما را حل می‌کند. و یا تلطیف و تخفیف می‌دهد.

- عقلانیت معنوی، منطق محاسباتی را در دو نیمه بازی دنیا و نیمه آخرت پخش می‌کند و از بنیاد منفعت‌جویی فردی را متفاوت ارزیابی می‌کند.

- عقلانیت معنوی، با انتقال بخشی از محاسبات دشوار داشت - برداشت به جهان آخرت و منطق "مثقال ذره خیراً یره" و "یا" شرأ یره"، تحقق بخشی از عدالت حداکثری را به جهان دیگر موکول می‌کند.

- معنویت از ارزش منبعی بی‌نهایت برخوردار است و از فرمول حاصل جمع جبری صفر تبعیت نمی‌کند. سهم بیشتر من موجب کم شدن سهم دیگری و دیگران نمی‌شود. اما عدالت اجتماعی معطوف به ارزش‌های کمیاب اجتماعی نظیر مناسب اجتماعی، مناسب سیاسی و ارزش‌های کمیاب اقتصادی است.

- معنویت‌گرایی فقر موجب تقویت احساس عدالت می‌شود.

فقر نباید در مقابل ثروتمندان و اغنیا، احساس کهنتری کنند و در قبال آنان تواضع و فروتنی کنند. تکبر شایسته نیست مگر از سوی فقرا نسبت به اغنیا. (جهانیان، ۱۳۸۸، ص ۵۱۶) فقرا باید عزت نفس را در برابر ثروتمندان داشته باشند.

معنویت‌گرایی ثروتمندان را وادار می‌کند که برای ثواب و پاداش الهی نسبت به فقرا، تواضع و کرنش و احترام کنند (جهانیان، ۱۳۸۸، ص ۵۱۷)

- قناعت و شکر‌گزاری فقرا در عین فقر، از ابعاد معنویت‌گرایی است. انسان فقیر هنگام دریافت کمک، باید شکرگزار خداوند باشد و این شکر خود روزی را افزون می‌کند و این امر در ایجاد احساس عدالت موثر است (جهانیان، ۱۳۸۸، ص ۵۲۳).

- کراهت سوال و درخواست حتی از سوی نیازمندان و فقرا از دیگر ابعاد معنویت‌گرایی است که خود در روحیه و احساس عدالت نزد فقرا موثر است.

- معنویت‌گرایی به انسان احساس برد برد در همه ابعاد ایجاد می‌کند. احدی الحسین و در راهی برد-برد در همه حالات و وضعیت‌ها از جمله دوراهی فقر و بی‌عدالتی اجتماعی یا ثروتمندی حال انسان مومن کوشا و متوکل بر خداوند است. وی در همه حال شاکر و مثبت‌اندیش است. وی در همه حال احساس شادمانی، مثبت و شغف دارد.

- ارزش‌های رفتاری اسلام که حاکی از تأثیر عقلانیت معنوی بر رفتار محلی مسلمانان است می‌تواند به تحقق عدالت اجتماعی بینجامد.

- پرداخت زکات، خمس، تکامل اجتماعی و عمومی، صدقات، تشویق به ازدواج بازتاب آن بر فقر زدایی، صلح رحم و فقر زدایی، استحباب فقر زدایی از خویشاوندان، وجوب فقر زدایی از والدین و فرزندان، بر تحقق عدالت اجتماعی کمک می‌کند. (جهانیان، ۱۳۸۸، صص ۴۷۳ - ۵۱۵)

- یکی از جلوه‌های معنویت در عقلانیت معنوی رکن بینش‌ها، خداوند، مالک حقیقی همه موجودات است و مالکیت بشر نسبت به دارایی‌های مولد به صورت "امانت" است سوره حدید-ایه ۷ این معنا را می‌رساند: امنوا بالله و رسوله و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ فالدین امنوا منکم و انفقوا لهم اجرا کبیر (جهانیان، ۱۳۸۸، ص ۲۷۸).

- اگر عقلانیت بینشی و عقلانیت‌گرایی اسلامی در فرد تحقق یابد این فرد عدالت را به طور داوطلبانه اجرا می‌کند و نیازی به هزینه دولت و ارگانها برای تحمیل عدالت به طور پلیسی و قضایی بر او نخواهد بود. عدالت به طور اجباری لازم نمی‌شود بلکه به صورت سازوکار و ضمانت درونی اجرا می‌شود.

- از سوی دیگر عدالت نیز می‌تواند بر معنویت هم تأثیر متقابل داشته باشد. تحقق عدالت اجتماعی در سطح "کف نیازها" برای تحقق معنویت متعالی ضروری است انسانیت از دل حیوانیت رشد می‌کند و تمدن بشری نیز از پس تأمین کف نیازهای جسمانی زاده می‌شود. هر جا "آب" بوده است نقطه شکل‌گیری اولیه اجتماعات و تمدن بوده است. مانند تمدن بین‌النهرین و یا تمدن مصری در کناره‌های رود نیل. بنابراین از این جهت عدالت اجتماعی حداقلی شرط تحقق معنویت‌گرایی است. وقتی فقر از یک در وارد می‌شود، ممکن است ایمان از در دیگر خارج شود. در یک جامعه دینی شکاف طبقاتی و اقتصادی غیرقابل تحمل، به ایمان و اسلام مردم فقیر ضربه می‌زند.

- شریعتی، عدالت را دال مرکزی سوسیالیسم و آزادی را دال مرکزی لیبرالیسم میدانند و اسلام را در سه دال عدالت، عرفان، آزادی معرفی می‌کند. عرفان آن وجه معنویت است. عدالت اجتماعی اسلام همزمان بر معنویت و عقلانیت تأکید می‌کند (اصغری، ۱۳۹۳، ص ۶۲).

روش استقرایی در بررسی رابطه عدالت و معنویت در صدر اسلام و صدر جمهوری اسلامی

- در روش استقرایی هم موردی پژوهی عدالت و معنویت در فرد یا جامعه ای خاص انجام می‌شود. جامعه صدر اسلام و جامعه صدر جمهوری اسلامی می‌تواند به عنوان دو مورد در این روش بررسی شود. به طور مثال بعد از فتح ایران در صدر اسلام، رودخانه ثروت از ایران به سرزمین حجاز سرازیر شد. و به مسله ای جدی برای مسلمانان زاهد و بی‌رغبت به دنیا ایجاد شد. آنان در توزیع آن دچار بحرانی جدی شد. تا اینکه خلیفه دوم تصمیم گرفت آن را میان

مسلمانان تقسیم کند و به صورت مقرر ماهامه به آنان اعطا کند. برای این کار دیوان عطا نهادینه شد و نام افراد براساس نسب قبيله ای ثبت شد. وی سهم افراد را به صورت غیر مساوی و نا برابر توزیع کرد. طبقه اول بدریون به میزان پنج هزار درهم و طبقه دوم از بدر تا صلح حدیبیه چهار هزار درهم و طبقه سوم کسانی که از حدیبیه تا قادسیه را درک کرده بودند و یا طبقه چهارم ... مبلغی کمتر تعیین شد. این ثروت های بر مبنای سبقت در اسلام و سابقه جبهه و تعداد آن به صورت نا مساوی تقسیم می شود. این امر زندگی روزمره معنوی آنان را بتدریج تغییر داد و آنان را از شیوه زاهدانه به سبک زندگی اشرافی و تجملاتی متحول کرد. این ثروت ها هم روحیه معنوی افراد را تغییر داد و آنان را بعدا به مانعی جدی بر سر راه عدالت علوی و جنگ با او قرار داد و هم جامعه مساوات گونه صدر اسلام را به جامعه ای طبقاتی تبدیل کرد که مقایسه ادراکی این شکاف ها طبقات نادر را ازار می داد و بر بی توجهی آنان به آموزه های معنوی اسلام بی عتنا می کرد. این جانب در کتاب تاریخ تحول دولت در اسلام آن را بحث کرده ام (برزگر، ۱۳۸۸) بنابراین با کاهش عدالت اجتماعی، معنویت هم روند کاهندگی یافت. به طور معکوس زوال معنویت هم به افزایش هجوم به ارزشهای کمیاب اقتصادی و اجتماعی می انجامد.

- در جمهوری اسلامی هم همین فرایند قابل ردیابی است دوره صدر جمهوری که از آغاز تا پایان جنگ ادامه یافت دوران اوج معنویت و زندگی زاهدانه مردم و مسیولان بود. اما با شروع دوران سازندگی و ترویج فرهنگ پروتستانی این روحیه به یکباره کاهش یافت و دنیا گرایی افراطی و زندگی تجملاتی و فرهنگ مصرف گرایی در مردم و بویژه سیاستمداران مرسوم شد. این امر همزمان با افزایش بی عدالتی اجتماعی بود. همانطور که ما به دوران صدر اسلام و چهل ساله آن به عنوان یک امر نوستالوژیک می نگریم. صدر جمهوری اسلامی و دهه شصت هم ممکن است بعد ها به عنوان عصر طلایی بحث شود. یکی از طنز های تلخ الگوی پیشرفت آن است که ما در الگوی پیشرفت قصد داریم وضعیت موجود را ارتقا دهیم و به مطلوب برسایم. اما حسرت دوره معنویت گرایی دوره جنگ را می خوریم. دوره ای که بسیاری از رزمندگان ما در تراز یک امام زاده پاک و منزّه و خود ساخته و معنویت داشتند. به مقام خود فراموشی نفس منفی رسیده بودند خودخواهی نداشتند. تو خود حجاب خودی حافظ از میان بر خیز. ما اکنون حسرت کمبود و گذشته دوره جنگ و سیاستمداران پاک و خالص آن دوره را داریم. البته این معنای قصد خیانت کارکزاران دوره سازندگی نیست بلکه ناشی از محذوریت مدیریت امور به ظاهر ناسازگار مثبت است. ماکس وبر در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری (و بر، ۱۳۸۷) آن را به طور مفصل و مستند در تمدن و توسعه غربی بررسی کرده است. بعد از جنگ برای کسب توسعه و سازندگی به نوعی دنیا گرایی و مادیت گرایی گروش ایجاد شد و این به موازات کاهش سرمایه معنوی عظیم دوره جنگ بود و همزمان به ایجاد و افزایش شکاف طبقاتی. توام بود ..

- فرض رابطه ای و هم افزایش معنویت و عدالت و معنویت (فرضیه همبستگی و واسطه ای) هم می تواند این پیوند احتمالی بین این دو مفهوم و مقوله مستقل را توضیح دهد. در این جا ما قایل به علییت نیستیم بلکه صرفا قایل به نوعی رابطه بین این دو مفهوم در عالم واقعیت هستیم و نه بیشتر. یک جور رابطه همبستگی بین این دو وجود دارد.

- به میزانی که معنویت افزایش یابد، تحقق عدالت اجتماعی هم افزایش می یابد.

- به میزانی که معنویت کاهش یابد، تحقق عدالت اجتماعی هم کاهش می یابد.

- به میزانی که عدالت اجتماعی افزایش یابد، تحقق معنویت هم افزایش می‌یابد.
- به میزانی که عدالت اجتماعی کاهش یابد، تحقق معنویت هم کاهش می‌یابد.

نتیجه گیری

رابطه عدالت و معنویت موضوعی پیچیده است. به نظر می‌رسد می‌توان آن را بر مبنای چهار چوب روابط چهارگانه منطقی تبیین و اجتماع و عموم و خصوص من وجه و نیز عموم و خصوص مطلق بررسی کرد که صورت چهارم خود به دو صورت که عدالت و یا معنویت اعم و کلی تر گرفته شود. در نتیجه پنج حالت می‌شود. ما بیشتر فرض حالتی را برجسته کردیم که معنویت کلی تر از عدالت است. این فرض با میانجی مفهوم عقلانیت انجام می‌شود. عقلانیت معنوی می‌تواند عدالت در فرد را داوطلبانه کند و به این واسطه فردان را به عدالت اجتماعی برساند. فرد معنویت دار به موجب خویشتن داری فردی عدالت را در باب دیگران رعایت می‌کند و با دیدن دیگران حقوق و منافع دیگران را هم در نظر می‌گیرد.

به این ترتیب با عدالت معنوی که مفهومی ترکیبی از عدالت و معنویت است مواجه می‌شویم. معنویت به مثابه عنصر معین عدالت در می‌آید. البته معنویت به مثابه ابزار نیست بلکه پیامد عملی سرمایه معنوی تسهیلاتی را برای اجرا و تحقق عدالت فراهم می‌کند.

قرار نیست که معنویت همه مشکلات اجتماعی را حل کند. باید کارگزاران از عقل و عرف و سایر امکانات هم استفاده کنند و کار خود را انجام دهند. بنابراین وقتی سخن از عامل مساعد معنویت در تحقق عدالت سخن می‌گوییم به معنای علت تامه تحقق عدالت نیست در کنار آن عوامل دیگر هم باید به عنوان شرط لازم باشد. همان سان که وقتی سخن از عدالت اجتماعی حداقلی و نقش آن در رشد معنوی سخن می‌گوییم باز ادعای تنها عامل ارتقای معنویت آن را نداریم.

معنویت و عدالت دو عنصر متمایز کننده الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت است و معنویت می‌تواند نیروی پیشران آن باشد. این عامل ظرفیت عظیمی را آزاد می‌کند که در پرتو عقلانیت معنوی تحقق می‌یابد و با منطق شهادی گمنام آن را به پیش می‌برد. شهادی که حداکثر هزینه ممکن را کردند و حداقل های پاداش را تمنا نکردند حتی نخواستند نامی از آنان بماند. آنان که در زمین مجهول در آسمان شناخته شده اند.

منابع و ماخذ

- آذربایجانی، مسعود. (۱۳۹۶). تربیت و رشد معنوی در دوره نوجوانی، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- اصغری، سید محمد. (۱۳۹۳). مفهوم، مبانی و شاخص‌های عدالت اجتماعی از منظر اندیشمندان اسلامی، تهران، مرکز اسلامی ایرانی پیشرفت .
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۸). تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، تهران، سمت .
- جهانیان، ناصر. (۱۳۸۸). اسلام و رشد عدالت محور، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حمیدیه، بهزاد. (۱۳۹۵). شاخص‌ها و نماگرهای معنویت اصیل اسلامی، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- شاکرنژاد، احمد. (۱۳۹۶). مفهوم معنویت در غرب، با تاکید بر عصر پست مدرن، تهران مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت .
- احمدی، احمد. (۱۳۹۷). معنویت در زندگی از منظر استاد دکتر احمد احمدی. تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت .
- ویر، ماکس. (۱۳۸۷). اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، تهران، سمت.